



بخش آموزش رسانه تفریحی سنتر

کلیک کنید  www.tafrihicenter.ir/edu

 نمونه سوال  گام به گام

 امتحان نهایی  جزوه

 دانلود آزمون های آزمایشی

متوسطه اول : هفتم ... هشتم ... نهم

متوسطه دوم : دهم ... یازدهم ... دوازدهم

www.tafrihicenter.ir

درس سوم

آزادی

۱- ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است / مسلک مرغ گرفتار قفس، هم چمن است

قلمرو زبانی :

ناله : شعر / بهر : برای / مسلک : روش ، رفتار / گرفتار : گرفتار شده « گرفت + ار »

قلمرو ادبی :

استعاره : « مرغ اسیر » / ناله / تناسب: اسیر ، قفس ، گرفتار / تشبیه (مسلک پرندۀ گرفتار مانند من است)

قلمرو فکری :

سروده های من ، فقط به خاطر میهن است. من و پرندۀ گرفتار در قفس ، همانند هم هستیم و به خاطر محروم شدن از آزادی است که می نالیم.

۲- همت از باد سحر می طلسم کر یزد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است

قلمرو زبانی :

همت : اراده ، در بیت به معنی « یاری و کمک » است / طرف: کناره ، کنار / رفیق: آزادی خواهان

قلمرو ادبی :

تشخیص: از باد سحر کمک طلبیدن / استعاره : « چمن » استعاره از ایران (سرزمین آزاد مانند چمن سرسبز هستند)

کنایه : همت طلبیدن / به طرف چمن بودن

قلمرو فکری :

از نسیم سحر می خواهم تا ناله های درد آلوده مرا به کسانی که آزاده و آزادیخواه هستند برساند.

۳- فکری ای هم وطنان ، در ره آزادی خویش / بنماید که هر کس نکند، مثل من است

قلمرو زبانی :

هم وطنان : وندی ، منادا /

قلمرو ادبی :

تشبیه: هر کس « فکری به حال خود نکند » مثل من اسیر می شود

قلمرو فکری :

ای هم وطنان برای آزادی وطن از تسلط بیگانگان و حکومت ستمگرانه باید بکوشیم که اگر چنین نکنیم، همیشه به همین صورت در اسارت خواهیم بود.

۴- خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که میت احزن است

قلمرو زبانی :

او : مرجع ضمیر « خانه » است / خانه : سرزمین ، ایران / اجانب: ج اجنبی : بیگانگان / ش : مفعول (آن خانه را ویران کن) / بیت

الْحَزَن : خانه غم ، ماتمکده. / بیت الاحزان : خانه غم ها ، جای بسیار غم انگیز ، طبق روایات نام کلبه ای است که حضرت یعقوب در

آن در غم فراق یوسف گریه می کرده است.

قلمرو ادبی :

استعاره : « خانه » استعاره از ایران / تلمیح / اغراق (با اشک سرزمینی را ویران کردن)

و خندایی که در این نزدیکی است / لای این شب بوی پای آن کاج بلند...

احمد رمضان زاده

قلمرو فکری :

سرزمینی که به دست بیگانگان آباد شود ؛ با اشک آن سرزمین را ویران کن زیرا که آن وطن، خانه غم و ماتم است

۵- جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدر آن جامه که تنگ تن و کم از کفن است

قلمرو زبانی :

جامه : لباس / پدر : پاره کن / ننگ : رسوایی / کم از : بی ارزش تر از /

قلمرو ادبی :

تناسب: جامه غرقه به خون ، کفن / تضاد : جامه ، بدر / کنایه : کم از کفن بودن / غرقه به خون بودن : شهید شدن /

قلمرو فکری :

کسی که خود را در راه آزادی و استقلال میهنش فدا نکند، از مرده بدتر است و لباسی را که به تن دارد، از کفن هم بی ارزش تر است.

۶- آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم ملت امروز یقین کرد که او اهرمن است

قلمرو زبانی :

آن کس : محمد علی شاه / ملک : سرزمین / سلیمان کردیم : پادشاه ساختیم / اهرمن : شیطان

قلمرو ادبی :

تلمیح : داستان حضرت سلیمان . / استعاره : محمد علی شاه مانند شیطان است. / تضاد: اهریمن ، سلیمان /

قلمرو فکری :

آن کسی را که پادشاه این سرزمین کردیم تا سرزمین ما را آباد کند ؛ ملت ایران اکنون به این حقیقت پی برده است که محمد علی شاه شیطانی است که در اندیشه ویران کردن این سرزمین است

دیوان اشعار ، ابولقاسم عارف قزوینی

دفتر زمانه

۱- هرگز دلم برای کم و بیش غم نداشت آری نداشت غم که غم بیش و کم نداشت

قلمرو زبانی :

هرگز : قید / کم و بیش : نیاز های مادی ، وابستگی ها / غم نداشت : غم نمی خورد / آری : قید /

قلمرو ادبی :

تشخیص: دل مانند اسنان غم داشته باشد / تکرار : غم / عکس : کم و بیش ، بیش و کم.

قلمرو فکری :

هرگز دلم غصه کم و زیاد داشتن را نمی خورد ؛ به همین دلیل هیچگاه غمگین نبود و غمی نداشت . (آزاد از تعلقات مادی است)

۲- دفتر زمانه قد نامش از قلم هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت

قلمرو زبانی :

از قلم افتادن : فراموش شدن ، به حساب نیامدن / نام : آوازه ، شهرت / صاحب قلم : اندیشمند ، هنرمند.

قلمرو ادبی :

تشبیه : دفتر زمانه (روزگار مانند دفتر است) / تناسب : دفتر ، قلم / صاحب هنر / مجاز : قلم مجاز از « اندیشه »

قلمرو فکری :

هر ملتی که اندیشمند نداشته باشد خیلی زود نام و آوازه اش از روزگار محو خواهد شد .

۳- پیگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

قلمرو زبانی :

اهل خرد : خردمندان / فکر جامعه : آرای اکثریت جامعه

قلمرو ادبی :

مجاز : پیشگاه : مجاز از دیدگاه و نظر / جامعه : مجاز از « مردم جامعه »

قلمرو فکری :

هر کسی که به فکر مردم جامعه احترام نگذارد ، خودش نزد خردمندان محترم نیست.

۴- با آنکه چوب و جام من از مال و می تنی است ما را فراعنتی است که جمید جسم نداشت

قلمرو زبانی :

تهی : خالی / را : حرف اضافه « برای ما » / فراغت : آسودگی ، آسایش / جمشید : نام پادشاه معروف / جم : پادشاه بزرگ

قلمرو ادبی :

لف و نشر : جیب « لf ۱ » ، جام « لf ۲ » مال « نشر ۱ » می « نشر ۲ » / تلمیح به پادشاهی جمشید و پادشاهان بزرگ

جناس: جم ، جام / کنایه : جام تهی بودن : بدون خوشی بودن

قلمرو فکری :

با آن که از نظر مادی چیزی ندارم ؛ اما آسودگی من به گونه ای است که پادشاهان بزرگ هم آسایشی مثل من را ندارند.

۵- انصاف و عدل داشت موافق بسی ولی چون فرخی، موافق ثابت قدم نداشت

قلمرو زبانی :

انصاف : برابر داشتن که بر هیچ طرف زیادی نشود / عدل : انصاف ، امری بین افراط و تفریط / فرخی : نام شاعر

قلمرو ادبی :

تخلص : آوردن نام شاعر در شعر / تشبیه : هیچ کس مثل فرخی موافق ثابت قدم نداشت. / تشخیص : عدل و انصاف موافق داشت.

قلمرو فکری :

عدالت و انصاف موافقان زیادی داشت اما هیچ کس در راه وفاداری به عدالت و انصاف مثل فرخی ، پابرجا و استوار نبود .

دیوان اشعار ، فرخی یزدی

کارگاه متن پژوهی

قلمرو زبانی :

۱- معنای واژه «همت» را در بیت های زیر بررسی کنید.

الف) همت اگر سلسله جنبان شود مور تواند که سلیمان شود وحشی بافقی غم، اراده.

ب) همت بدرقه راه کن ای طایر قدس که دراز است ره مقصد و من نو سفرم حافظ دعا، آرزو

۲- در بیت زیر ، « نهاد » و « مسند » را مشخص کنید:

در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کس که فکر جامعه را محترم نداشت

نهاد : هر کس مسند : محترم

۳- در کدام بیت ها، یکی از ارکان جمله حذف شده است؟ نوع حذف را مشخص کنید.

۱- فکری ای هم وطنان در ره آزادی خویش / بنماید که هر کس نکند مثل من است (هر کس فکری به حال خود «برای آزادی خود» نکند) حذف به قرینه لفظی

۲- خاندای کاوشود از دست اجانب آباد / ز اشک ویران کنش آن خانه که میت المحزن است (تو آن را ز اشک ویران کن) حذف به قرینه لفظی

۳- جامه ای کاو نشود غرق به خون بهر وطن / بدر آن جامه که تنگ تن و کم از کفن است (که آن جامه) حذف به قرینه لفظی

قلمرو ادبی :

۱- کدام یک از ترکیب ها و واژه های مشخص شده، مفهوم مجازی دارند؟ دلایل خود را بنویسید.

الف) ناله مرغ اسیر این همه بهر وطن است مسلک مرغ گرفتار قفس، هم چو من است.

مرغ اسیر: مجاز و استعاره از شاعر مرغ گرفتار: معنای واقعی

ب) بدین شکسته بیت الحزن که می آرد نشان یوسف دل از چه زنجندانش؟ حافظ

منظور «دل» است و در معنای مجازی.

چه کسی برای من شکسته حال در این خانه غم و اندوه، از یوسف دلم که در چاه زنجندان او افتاده است نشانی می آورد؟

تصمیمت

۲- با توجه به بیت های زیر ، به پرسش ها پاسخ دهید:

- با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است ما را فراغتی است که جمشید و جم نداشت
- در دفتر زمانه فتد نامش از قلم هر ملّتی که مردم صاحب قلم نداشت

الف) در باره تلمیح به کار رفته در بیت اول توضیح دهید. جمشید، نام پادشاه معروف و بزرگ است. مدت سلطنت وی حدود هفت صد سال بود. نخستین کسی است که جاده ها، کوه ها و صحرا را ساخت. در اواخر سلطنت ادعای خدایی کرد و ضحاک بر او چیره شد و با آله او را به دو نیم کرد. جمشید جایی داشت منسوب به «جام جم» که با نگاه کردن به آن ناپدید می شد.

ب) مصراع های مشخص شده را با توجه به آرایه «کنایه» بررسی کنید.

با آنکه جیب و جام من از مال و می تهی است : کنایه از فقیر بودن و خوشی نداشتن

در دفتر زمانه فتد نامش از قلم : روزگار نامش را از یاد خواهد برد و به فراموشی خواهد سپرد.
قلمرو فکری :

۱- شعر «آزادی» نمونه ای از اشعار وطنی عارف قزوینی است که به سلطه بیگانگان و بیدادگری محمد علی شاه اشاره دارد؛ با توجه به این نکته معنی و مفهوم بیت های زیر را بنویسید:

- الف) آن کسی را که در این ملک، سلیمان کردیم ملّت امروز یقین کرد که او اهرمن است
 - ب) خانه ای کاو شود از دست اجانب آباد ز اشک ویران کنش آن خانه که بیت الحزن است
- ۲- در متن درس ، مقصود از موارد زیر چیست؟

الف) رفیقی که به طرف چمن است: کسانی که در آزادی روزگار را سپری می کنند به فکر جامعه خود نیستند.

ب) مردم صاحب قلم : انسان های صاحب اندیشه و هنر

۳- به غزل هایی که محتوای آنها بیشتر مسائل سیاسی و اجتماعی است ، غزل اجتماعی می گویند؛ در عصر مشروطه با توجه به دگرگونی های سیاسی و اجتماعی ، این نوع غزل رواج یافت؛ در سروده های شاعرانی چون محمد تقی بهار ، عارف قزوینی و فرّخی یزدی می توان نمونه های آن را یافت.

از این دیدگاه ، متن درس را تحلیل و بررسی کنید.

شعر، به موضوعاتی چون آزادی ، بیگانگی تنزی ، وجود حاکمان تم کر و زورگو می پردازد و مردم را به تلاش بیشتر برای پیشرفت جامعه تشویق می کند.

۴- فرّخی یزدی ، در بیت آخر ، خود را با کدام ویژگی معرفی می کند؟ ثابت قدم بودن برای به دست آوردن انصاف و عدل

۵- با توجه به ادبیات پایداری ، مضمون مشترک ابیات زیر را بنویسید.

- الف) جامه ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بدّر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است عارف قزوینی
- ب) فرّخی ز جان و دل می کند در این محفل دل نثار استقلال ، جان فدای آزادی فرّخی یزدی

برای آبادانی و استقلال وطن باید از جان و تن گذشت. جامعه برای پیشرفت نیاز به انسان های از خود گذشته دارد.

گنج حکمت

خاکریز

در محلات اول عملیات که خطوط دشمن سنگته شد، پشت سر نیروهای ما ارتفاعات موسوم به «کله قندی» بود که دشمن با استقرار سلاح های زیادی قله را در دست داشت. شهید «ساجدی» با توجه به اینکه نسبت به همه مسائل آگاهی داشت، روحیه خود را نباخته، احداث یک خاکریز دوجداره را تنها راه حل می دانست. با توجه به امکانات محدود مهندسی و دید و تسلط دشمن، قبول و اجرای این طرح خیلی سخت بود. به ویژه که لازم بود در فاصله زمانی شب تا سپیده دم اجرا و احداث می شد ولی ایشان به اجرای این طرح ایمان داشت و با قاطعیت می گفت: «خاکریز را صبح تحویل می دهیم».

عملیات احداث خاکریز شروع شد. آن شب برادران جهاد و در رأس آنها شهید ساجدی، آرام و قرار نداشتند. در اولین دقایق صبح، احداث این خاکریز به پشت-نه کیلومتری به پایان رسید و خاکریزی که به کمک دو نیروی مهندسی شروع شده بود، تقریباً در وسط به هم رسیدند و اتمام خاکریز روحیه عجیبی در بین برادران جهاد و رزمندگان ایجاد کرد. اما این کار شهید ساجدی را راضی نمی کرد. او پیش بینی می کرد که با توجه به تسلط دشمن بر ارتفاعات روبه رو و ارتفاعات پشت، امکان زیر آتش گرفتن بچه ها وجود دارد؛ به همین دلیل، مرحله دوم کار را شروع کرد. خاکریزی به طول چند کیلومتر در پشت خاکریز اول که از آن به عنوان خاکریز دوجداره یاد می شود، احداث نمود. آن روز با تدبیر حساب شده شهید ساجدی، رزمندگان توانستند در برابر نیروهای دشمن مقاومت کنند و به پیروزی روند.

روایت سنگر سازان ۲، عیسی سلمانی لطف آبادی

کله قندی: ارتفاع کله قندی در شمال دشت استان ایلام قرار دارد که در عملیات والفجر ۳، ازاد گردید.